



ادب و هنر
مریم صدرا

The Story Of Islam

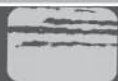
The Message

آخرین فرستاده بر پرده منقره‌ای

M o s t a f a E g h a d

اشاره:

فیلم سینمایی «الرساله» ساخته کارگردان سوری تبار که با نام «محمد رسول الله» ﷺ در ایران به نمایش گذاشته شد، تاکنون در طی ۴ دهه توانسته است همچنان مخاطبان خود را در پای تصاویر جذاب و زیبایی خود مجذوب سازد. این فیلم که با حمایت مستقیم «سر هنگ معمر قذافی» در کشور لیبی ساخته شد، با بازیگری شخصیت معروف هالیوودی نظیر «آنتونی کوبین» در نقش حضرت حمزه و «ایرنا پاس» در نقش هند جگر خوار و دیگر بازیگران و موسیقی متن، ساخته «ژار» آهنگساز فرانسوی، برجسته‌ترین فعالیت هنری «عقاد» شناخته شد. اگرچه نسخه عربی این فیلم با همان دیالوگ‌ها و لوکیشن‌ها با بازیگری هنرمندان عرب ساخته شد، اما هیچگاه نتوانست به جایگاه فیلم «الرساله» با بازی هنرمندان هالیوود دست یابد. آنچه که داستان این فیلم آشکار و پنهان به جستجوی اوست، شخصیت پیامبر خدا ﷺ است. نحوه پرداخت این فیلم به شخصیت و سوژه اصلی داستان، نظریات و واکنش‌های موافق و مخالفی را در جهان اسلام در پی داشت. آنچه که در پی می‌آید نوشتاری کوتاه در باره تنها فیلم سینمایی موفق جهانی، در باره پیامبر خداست، که در پی نمایاندن نقاط ضعف این اثر سینمایی است.



داستان نبوت، روایت پیامبران در بستری از زمان، مکان و موقعیت‌های ویژه بشری است. داستانی که هر بار با تکرار خود به شکل کاملتری ظهور می‌کند و این تکرار سخت و ملال‌آور نبوده است. روایتی که از زمان آدم - اولین انسان - آغاز شده و تا مهر ختام نبوت ادامه داشت و اکنون آنچه در دست است روایت‌ها و قرائت‌های مختلف از یک داستان است؛ داستان پیامبران الهی.

«مصطفی عقاد» با بینشی مذهبی بر آن بود تا این داستان را در شکلی منسجم به تصویر کشد و ژانر نبوت را به ژانرهای مختلف سینمایی اضافه کند. داستان این فیلم، پیرامون زندگی و شخصیت خاتم پیامبران «محمد رسول الله» است که با تأیید دانشمندان و محققین تاریخ اسلام دانشگاه «الازهر مصر» در قاهره و «انجمن شیعیان» لبنان بر پرده نقره‌ای سینما سایه انداخت، تا آنجا که انجمن مستشرقین - که نگاهی تاریخی اما غیر نقادانه بر آثار دارند - واقع‌گرایی این اثر را تأیید می‌کنند. اگرچه در میان تأیید کنندگان فیلم، نام گروه مشخص یا سازمان معینی از شیعه به چشم نمی‌خورد بلکه به طور مبهم از انجمن شیعیان لبنان نام برده می‌شود که وجهه ویژه و چهره بارزی ندارند. «محمد رسول الله» با نگاهی تاریخی به داستان آخرین فرستاده الهی، اثری در خور تأمل است. در واقع تاریخ خاتمیست را نمی‌توان با این اثر از نظر گذراند چرا که با توجه به نکات مثبت و حکایت نسبتاً ادیبانه، نقش تحلیل و نگاه دوسویه سنی و شیعه، در آن نادیده گرفته شده و بسیاری از ویژگی‌های آن از دیدگاه تاریخ‌نویسان معتبر مخدوش است. مسأله مهم آن است که آیا فیلم «الرساله» واقعیت را به طور کامل و صحیح بروز داده و آیا در پرداخت شخصیت‌ها جنبه حقیقت محوری و واقع‌گویی لحاظ شده است؟

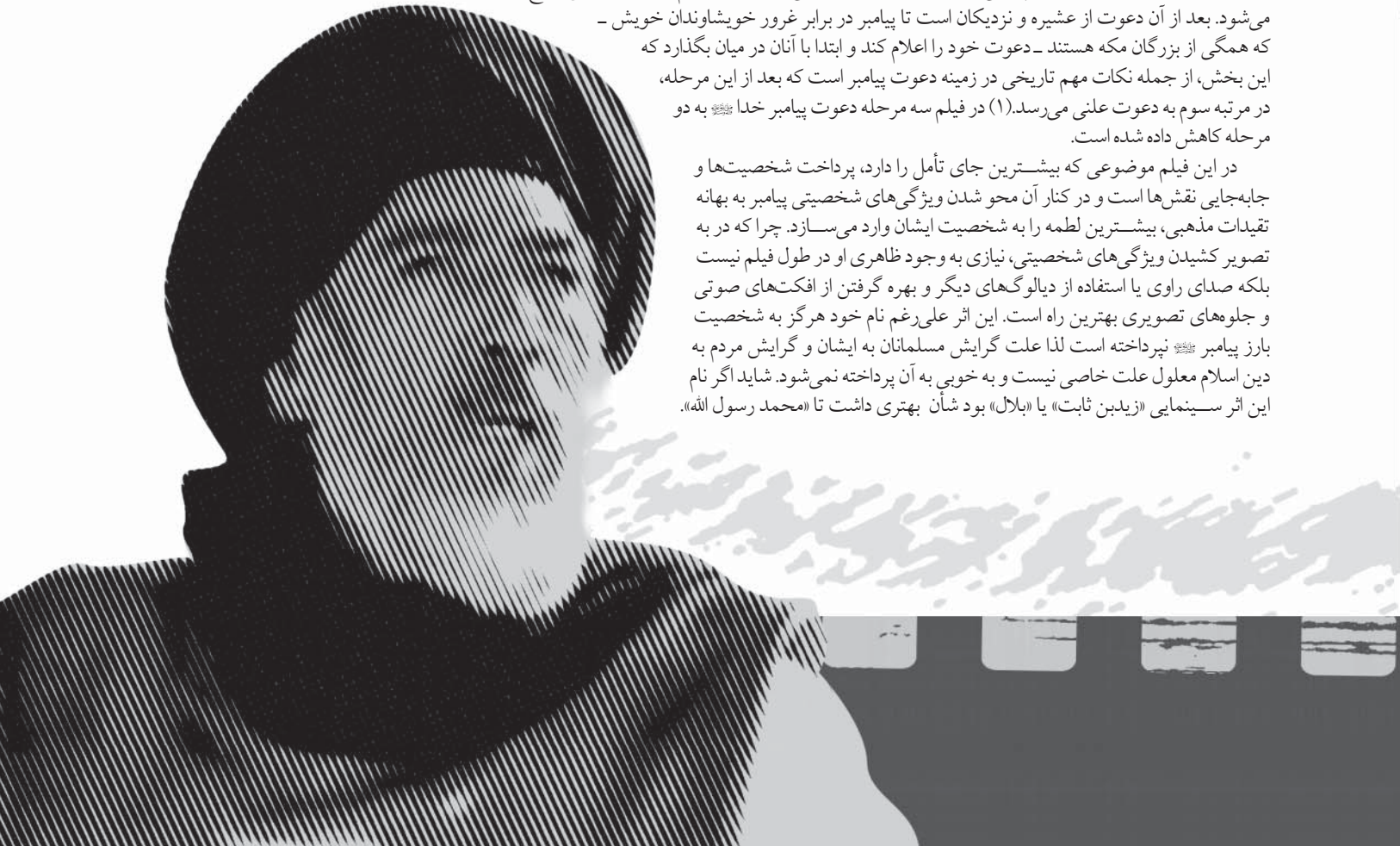
بهتر است با نگاه نقادانه اما منصفانه یک بار دیگر فیلم را بر طبق سیر تاریخی اسلام از نظر بگذرانیم. گمان می‌شود از این نظر، فیلم دچار نوعی تحریف تاریخی و شخصیتی است. فیلم در سکانس اول خود روایتگر قدرت اقتصادی عرب در مهمانداری از زائرین کعبه و بت‌هاست و در ضمن، شروع یک دین جدید را نشان می‌دهد که مربوط به دعوت پنهانی پیامبر است. در پرداخت شخصیتی، سیما و شخصیت ابوسفیان توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند. ابوسفیان از نظر چهره ظاهری، فردی است جداب، مقتدر و متفکر که میهمان‌نوازی‌اش به عنوان خصیصه‌ای مثبت، اولین سکانس‌های فیلم را به خود اختصاص می‌دهد. این دوران، روزهای اختفای مسلمانان و دعوت پنهانی است که سه سال به طول می‌انجامد اما در فیلم در یک سکانس جمع می‌شود. بعد از آن دعوت از عشیره و نزدیکان است تا پیامبر در برابر غرور خویشاوندان خویش - که همگی از بزرگان مکه هستند - دعوت خود را اعلام کند و ابتدا با آنان در میان بگذارد که این بخش، از جمله نکات مهم تاریخی در زمینه دعوت پیامبر است که بعد از این مرحله، در مرتبه سوم به دعوت علنی می‌رسد. (۱) در فیلم سه مرحله دعوت پیامبر خدا ﷺ به دو مرحله کاهش داده شده است.

در این فیلم موضوعی که بیشترین جای تأمل را دارد، پرداخت شخصیت‌ها و جابه‌جایی نقش‌ها است و در کنار آن محو شدن ویژگی‌های شخصیتی پیامبر به بهانه تقییدات مذهبی، بیشترین لطمه را به شخصیت ایشان وارد می‌سازد. چرا که در به تصویر کشیدن ویژگی‌های شخصیتی، نیازی به وجود ظاهری او در طول فیلم نیست بلکه صدای راوی یا استفاده از دیالوگ‌های دیگر و بهره گرفتن از افکت‌های صوتی و جلوه‌های تصویری بهترین راه است. این اثر علی‌رغم نام خود هرگز به شخصیت بارز پیامبر ﷺ نپرداخته است لذا علت گرایش مسلمانان به ایشان و گرایش مردم به دین اسلام معلول علت خاصی نیست و به خوبی به آن پرداخته نمی‌شود. شاید اگر نام این اثر سینمایی «زیدبن ثابت» یا «بلال» بود شأن بهتری داشت تا «محمد رسول الله».

«ابوذر» به علت مبارزه‌طلبی و وجهه خاصی که در جنوب لبنان به جای گذاشته است نیز کاملاً از دایره صحابه فیلم خارج می‌شود.

در فیلم «محمد رسول الله» شخصیت مثبت ابوسفیان به هیچ وجهی نمایانگر حقیقت نیست. علی‌رغم چهره اصیل ابوسفیان - که در دوران کفر مظهر شرک و بت‌پرستی و در دوره اسلام مظهر نفاق بود - شخصیت پردازای ابوسفیان در این فیلم منزله از تمام ردائل اخلاقی است. او با اسلام هیچ مشکلی ندارد و حتی در مکه خون هیچ مسلمانی را نمی‌ریزد.

مسأله مهم آن است که آیا فیلم «الرساله» واقعیت را به طور کامل و صحیح بروز داده و آیا در پرداخت شخصیت‌ها جنبه حقیقت محوری و واقع‌گویی لحاظ شده است؟



The Story Of Islam



و فرمود: تو می شنوی آنچه را که من می شنوم و می بینی آنچه را که من می بینم جز این که تو پیامبر نیستی و وزیر منی.» (۲) در این عبارت نهج البلاغه نادرستی برخی ویژگی های فیلم چون رفت و آمد مکرر «زید» به خانه خدیجه به عنوان نزدیکترین فرد به رسول خدا احراز می گردد. برای مثال به روایت تاریخ، پیامبر ﷺ جهت تشریح و تبلیغ دین خداوند تنها به طائف رفته و مورد آزار و اذیت اهالی شهر قرار گرفتند اما در این اثر «زید» همراه با پیامبر است و به آزار مردم طائف اعتراض می کند. به نظر می رسد کارگردان از شگردی ظریف برای پر رنگ کردن نقش «زید» بهره جسته است به این معنی که گاهی با پر رنگ کردن نقش های جزئی تاریخی به نحوی سعی در مطرح کردن مرتب «زید» دارد و از طرفی با تحریف در نقش های کلیدی، زید را محور قرار می دهد. برای مثال، اعلام جنگ احد در مسجد، اعلام عقد اخوت میان انصار و مهاجرین و همچنین روایت آیات الهی بر عهده شخصیت «زید» گذاشته می شود در حالی که اینگونه نقش های تاریخی مخصوص حضرت رسول و صحابه مخصوص ایشان چون امیر المؤمنین، سلمان یا ابوذر بوده است.

نکته قابل توجه دیگر، جابجایی نقش و شخصیت صحابه پیامبر در این اثر است. مقداد، سلمان، ابوذر و عمار و همچنین امیر المؤمنین (ع) به همراه زید بن ثابت و تعدادی دیگر، از جمله صحابی معروف پیامبر ﷺ بوده اند اما اطرافیان پیامبر در فیلم، زید بن حارثه، بلال، خالد و عمار و افراد گمنام دیگری هستند که در وجهه شخصیت اکثر آنها نکات قابل تردید و تأمل موجود است. از جمله آن که کاتب و قاری وحی و آیات قرآن زید بن ثابت بوده است نه زید بن حارثه، پسر

ویژگی های شخصیتی پیامبر تا آن حد به چشم می خورد که ایشان آخرین پیامبر است و کسی است که پیام آور وحی خداوندی است. او در برابر فریب قریش استوار است و در مقابل اسیران مهربان. اما آیا فیلم به ابعادی فراتر از این پرداخته است یا نه، مسأله مورد بحث و تحلیل ما است.

در طول دعوت پنهانی، «عمار»، «زید» و دیگر مسلمانان دور هم جمع می شوند و آیات قرآن را همراه با یکدیگر تلاوت می کنند. در این جمع از میان یاران پیامبر، از اشخاص مهم و مستند تاریخی به جز «جعفر» کسی به چشم نمی خورد، حتی از علی (ع) هم خبری نیست و این روند تا پایان فیلم نیز ادامه دارد؛ به این معنا که پس از مسلمان شدن «سلمان»، «ابوذر» و «مقداد» حتی از آنها نیز که به همراه عمار از مهم ترین صحابه و مورد اعتمادترین یاران ایشان بوده اند، تا پایان فیلم خبری نیست.

«زید» در تمام لحظات همراه و ملازم پیامبر است و به طور کاملاً آشکار و عامدانه در نقش او اغراق می شود. سیاست کارگردان بر آن است تا با شبیه سازی نقش «زید» و «علی (ع)» ضمن پررنگ کردن نقش های ظریف و غیر محوری برای «زید»، حضور پسر عموی رسول خدا یعنی علی (ع) را به حاشیه رانده و از آن سخنی نگوید. در حالی که طبق نظر مورخان معتبر، علی (ع) همراه و ملازم همیشگی پیامبر بوده و حتی در غار حرا نیز همراه ایشان بوده اند. «زید» تأکید می کند که در غار هیچ کس همراه رسول اکرم نبوده است و خود را در تمسک به دین اسلام در کنار حضرت علی (ع) جزء اولین مسلمین می گذارد و این در حالی است که به شهادت علی (ع) هیچ کس در نزدیکی به پیامبر ﷺ همپای ایشان نبوده است. در نهج البلاغه ضمن خطبه های چنین آمده، «شما می دانید که مرا نزد رسول خدا چه رتبت است، گاه بود که چیزی را می جست و آن را به من می خوراند... هر سال در حرا خلوت می گزید و من او را می دیدم و جز من کسی وی را نمی دید آن هنگام جز خانه های که رسول خدا و خدیجه در آن بود در هیچ خانه های شیوه مسلمانی راه نیافته بود. من سومین آنان بودم که بوی نبوت را می شنیدم. هنگامی که وحی بر او فرود آمد ناله شیطان را شنیدم، گفتم ای فرستاده خدا این چه آوایی است، گفت: شیطان است که از آنکه او را بپرستند ناامید است

تنها اثری که از وجود مولای متقیان در این فیلم موجود است شمشیر دو لبه ایشان در کادر دوربین است که چهره های خشن و جنگ طلبانه به او می بخشد، یعنی در واقع همان چهره های که از اسلام در جنگ بدر به مسلمانان بخشیده شده است که با خشونت آب را از مشرکین دریغ می کنند.

سیاست کارگردان بر آن است تا با شبیه سازی نقش «زید» و «علی (ع)» ضمن پررنگ کردن نقش های ظریف و غیر محوری برای «زید»، حضور پسر عموی رسول خدا یعنی علی (ع) را به حاشیه رانده و از آن سخنی نگوید.

از اشخاص مهم و مستند تاریخی به جز «جعفر» کسی به چشم نمی خورد، حتی از علی (ع) هم خبری نیست و این روند تا پایان فیلم نیز ادامه دارد.

The Message



The Story Of Islam

مصطفی عقاد در میان جنگ‌ها به جنگ احزاب هیچ اشاره‌ای نمی‌کند و مثل این نادیده انگاری مثل آن است که کسی انقلاب ایران را تحلیل کند اما از هشت سال جنگ تحمیلی سخنی بر زبان نیاورد. در جنگ احزاب چهره منافقین و همچنین از میان مسلمانان شخصیت سلمان فارسی محور قرار می‌گیرد و پای یهود به فیلم به خوبی باز می‌شود اما کارگردان به این جنگ هیچ اشاره‌ای نمی‌کند تا نقش سلمان توجه کسی را به ایران جلب نکند و یهود از اثر سینمایی او زخمی نخورند.

که دعوت پیامبر به یثرب علی‌رغم آنچه فیلم عقاد نشان می‌دهد آنقدر یکباره و معجزه‌آسا نبوده‌است بلکه طبق تاریخ عدلای از یثرب که مسلمان بودند به همراه عدلای دیگر در سال ۱۲ بعثت در عقبه با رسول خدا ملاقات کردند و با پیامبر پیمانی خاص جهت تعهد به اصول اخلاقی امضاء کردند و بعد با تبلیغ در میان اهالی یثرب ماجرای عقبه را دوباره تکرار کردند و تلاش مصعب، فرستاده پیامبر و مسلمانان یثرب باعث شد در پیمان عقبه دوم، پیامبر و اهالی یثرب در قبال همدیگر متعهد به دفاع و اجرای فرامین اسلام، شوند و بعد از ۷۲ روز هجرت آغاز گردید. (۵)

اما در فیلم علت این ماجرا، رفتن پیامبر به یثرب برای پایان دادن به جنگ‌های داخلی عنوان می‌شود که دلیلی بسیار فرعی بوده‌است و شخص پیامبر به عنوان مهم‌ترین دلیل ترویج اسلام در فیلم

جاهلیت، رواج فراوانی داشت. اشعاری که در بازار عکاظ خوانده می‌شد نشانه بلوغ آنان در سخنوری و توانایی بلیغ عرب در سرودن بود. ابن سلام می‌گوید: «در جاهلیت، شعر، دیوان علم عرب و منتهای حکمت آنان بوده و از آن شروع و به آن خاتمه می‌دادند.» (۳)

در واقع فرم اشعار از قدرتی غیر قابل انکار برخوردار بوده‌است، اما از حیث محتوا، شاعر عرب موضوعی بیشتر از بیابان و سفر به بیابان‌های دوردست و وصف معشوق و دفاع از شرف خیالی قبیله خود نمی‌یافت. اما توجه به این مسأله بسیار مهم است چون قرآن به عنوان معجزه پیامبر، در مقابل فصاحت و بلاغت عرب اعجاز خویش را نشان داد و تحدی کرد. لذا اگر توانایی و نبوغ عرب در این زمینه نادیده گرفته شود قرآن به خوبی جایگاه خود را نشان نخواهد داد. یکی از مشکلات ترجمه فیلم به زبان فارسی و غیرعربی، ترجمه اشعار و متن قرآن به زبان دیگر است که در شعر، بلوغ عربی آن را نشان نداده بلکه تنها محتوای بی‌مقدار شعر نمود می‌یابد و مخاطب، وجهه ادبی و قافیه‌پردازی بی‌نظیر آن را مشاهده نکرده و جنبه اعجازی آن را به چشم نمی‌بیند.

اقوام دوران جاهلیت عرب، اسلام خود را با توجه به جایگاه بلند و کامل دین اسلام یافتند و از سر سادگی و عدم تعقل آن را نپذیرفتند. علاوه بر آن تلاش وسیع دولت روم در ترویج نصرانیت میان اعراب و موفقیت این تلاش در قریش و بنی تمیم و بعضی سران قبایل نفوذ اسلام را سخت‌تر می‌کرده‌است. (۴)

در مورد نفوذ اسلام در میان مردم یثرب نیز همین نادیده انگاری از سوی فیلم‌ساز لحاظ شده‌است و در مورد اشاعه اسلام در یثرب و هجرت پیامبر عنوان معجزه‌آسا اطلاق می‌شود. در حالی

خوانده پیامبر و این اشتباه فیلم ساز، نقش زید را بیش از پیش پررنگ کرده‌است. شاید علت نادیده انگاشتن سلمان، ابوذر و مقداد شیوه تفکر آنان و پایبندیشان به وحی پیامبر و اهل بیت او بوده‌است و بر این اساس اگر نقش و جایگاه شخصیتی صحابه مخصوص پیامبر، آنچنان که هست، نزد اهل سنت به تصویر کشیده می‌شد، مبنای فکری و طریقتی آنان کاملاً مخدوش می‌گردد. «ابوذر» به علت مبارزه طلبی و وجهه خاصی که در جنوب لبنان به جای گذاشته‌است نیز کاملاً از دایره صحابه فیلم خارج می‌شود. با نظری دقیق به این اثر سینمایی می‌توان به وضوح دریافت که مظاهر مبارزات اسلامی چون سلمان و ابوذر آگاهانه از محدوده نبوت خارج شده‌اند و سلمان به عنوان یک ایرانی و صحابه مخصوص پیامبر هیچ نقشی بر عهده ندارد.

در این اثر مهم سینمایی از شیوه مسلمان شدن مردم و گرایش آنها به اسلام، به جز خانواده عمار کاملاً فاکتور گرفته شده و این سؤال را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که آیا انتخاب مسلمانان عرب با عقل و تدبیر بوده یا آنکه آنچنان که خانواده عمار در فیلم به سادگی مسلمان می‌شوند، منفعلانه و آسان صورت می‌گرفته‌است. در این جایگاه باید به خصوصیات عرب آن زمان دقت و توجهی خاص کرد. آنچه در کتب تاریخی آمده‌است جاهلیت را دارای فرهنگی خاص اما فاقد روح تفکر معرفی می‌کند که بیشتر بر پایه پیروی از مشتی آداب و عادات متعصبانه بوده‌است به طوری که به جز ۱۷ نفر بقیه آنها از قدرت کتابت و خواندن بی‌بهره بودند.

اما از جمله نشانه‌های فرهنگ و تمدن، فرهنگ شعر و شاعری و خطابه‌سرایی است که در

مورد ملاحظه قرار نگرفته است. در حالی که مبانی عبادت و بندگی پیامبر که موجب انتخاب خداوندی او برای نبوت بوده و همت بلند و پشتکار جدی پیامبر در ترویج دین، که طبق تاریخ او را به شخصیتی خستگی ناپذیر بدل کرده است و روایت مجاهدت های فراوان ایشان در تمام متواترات و کتب تاریخی موجود است.

نامه های مهم پیامبر به سران - که در مکاتیب الرسول موجود است - و تفکرات اصلاحات جهانی و همچنین نظریه پردازی های سیاسی ایشان نیز در این فیلم از نظر دور مانده است. مهربانی و عطف پیامبر دین ایشان را بهتر نشان می دهد و ضعف فیلم در این است که از ویژگی های اصل اسلامی و بعد مودت و رحمت دین در آن خبری نیست. مسلمانان، انسانی هایی خوش خلق و خوش چهره نیستند و «جعفر» در برابر پادشاه حبشه آرامش خود را کنترل نکرده و لحن سخنش پرخاشگر است، در حالی که در واقع این چنین نبوده است.

تنها اثری که از وجود مولای متقیان در این فیلم موجود است شمشیر دو لبه ایشان در کادر دوربین است که چهره های خشن و جنگ طلبانه به او می بخشد، یعنی در واقع همان چهره های که از اسلام در جنگ بدر به مسلمانان بخشیده شده است که با خشونت، آب را از مشرکین دریغ می کنند. در این فراز از فیلم نوعی توجیه برای وقوع ماجرای عاشورا از دیدگاه غربیان دنبال می شود، حال این که در هیچ یک از کتاب های تاریخ معتبر اسلام به پرکردن چاه های آب بدر و جلوگیری از نوشیدن آب، توسط سپاه اسلام اشاره ای نشده است.

با فاکتور گرفتن از رنج های پیامبر در راه اسلام و آزار و اذیت مشرکین در مورد شخص پیامبر، ویژگی هایی چون حلم، صبر و عطف پیامبر نادیده انگاشته می شود. و همچنین سادگی و تواضع ایشان نیز در سلوک و شیوه زندگی به چشم نمی آید. این فیلم اگر بیشتر به شخصیت حضرت رسول می پرداخت ظلم ستیزی و توجه پیامبر به علم و دانش و دلسوزی ایشان

حتی نسبت به دشمن نمود خوبی می یافت. دشمنان پیامبر، جاهلان متعصب و خونخواری بودند که با هر وسیله ممکن روبروی ایشان می ایستادند اما در «محمد رسول الله» شخصیت مثبت ابوسفیان به هیچ وجهی نمایانگر حقیقت نیست. علی رغم چهره اصیل ابوسفیان - که در دوران کفر مظهر شرک و بت پرستی و در دوره اسلام مظهر نفاق بود - شخصیت پردازی ابوسفیان در این فیلم منزله تمام رذائل اخلاقی است. او با اسلام هیچ مشکلی ندارد و حتی در مکه خون هیچ مسلمانی را نمی ریزد. حتی در مورد کشتن پیامبر محتاطانه عمل می کند و در مورد این نقشه علی رغم ادعای تاریخ، شرکت نمی جوید و در جنگ احد و بدر نیز در ریختن خون هیچ مسلمانی شرکت نمی جوید. در این فیلم ابوسفیان همواره در مورد پذیرش دین اسلام در تردید است و هیچ گاه در مقام انکار بر نمی آید و در صحنه پایانی فیلم نیز با قبول اسلام و پیشیمانی از کرده خود کاملاً تطهیر می شود.

در حالی که ابوسفیان بعد از پذیرش اسلام تبدیل به چهره بزرگ نفاق می شود و با اسلام آوردن خود سعی می کند دین را طائفه های سازد و در دست فرزندان خویش بگذارد. با تطهیر ابوسفیان، چهره بزرگ نفاق در این فیلم وجود ندارد و عبد الله بن ابی نیز کاملاً منفعل است. این اثر هیچ اشاره ای به عملکرد منافقین در ماجرای مسجد ضرار ندارد و اصلاً این بحث را مطرح نمی کند. همچنین معاملات منافقین و تعاملات آنها با یهود که منجر به جنگ احزاب می گردد از دید فیلم ساز کاملاً دور مانده است. (۶) مصطفی عقاد در میان جنگ ها به جنگ احزاب هیچ اشاره ای نمی کند و مثل این نادیده انگاری مثل آن است که کسی انقلاب ایران را تحلیل کند اما از هشت سال جنگ تحمیلی سخنی بر زبان نیاورد. در جنگ احزاب چهره منافقین و همچنین از میان مسلمانان شخصیت سلمان فارسی محور قرار می گیرد و پای یهود به فیلم به خوبی باز می شود اما کارگردان به این جنگ هیچ اشاره ای

نمی کند تا نقش سلمان توجه کسی را به ایران جلب نکند و یهود از اثر سینمایی او زخمی نخورند. همچنین ماجرای یهود بنی قینقاع که پیمان شکنی کردند و با رفتار زشت خود در مورد زن یکی از انصار، «بستن پایین لباس زن مسلمان به دامنش» قصد فتنه گری داشتند مورد بحث واقع نمی شود و غزوه بنی نضیر و بنی قریظه که از جمله پدیده های مهم تاریخی در افشای چهره یهود می باشد، در این اثر جایی ندارد.

عدم پرداخت روایی به مسأله یهود در فیلم، در حالی است که یهودیان در جزیره العرب به طور گسترده حضور داشتند و از برخی آیات قرآن به ویژه در سوره های مدنی به دست می آید که حضور آنها در یثرب و در قبیله های حمیر، کنانه، بنی حارث و کنده چشم گیر بوده است.

البته از تمام نکات مورد نقد و تحلیل فیلم که بگذریم بازیگران خبره اثر و پرداخت روایی آن، قابل توجه و تحسین است و توجه عقاد به ماجرای بعثت خاتم النبیین چیزی است که هنوز از دید فیلم سازان مسلمان غافل مانده است.

شاید این نقد، روحیه تکاپو و تلاش را در فیلم سازان مسلمان و متعهد بیدار کند تا از معرفی زندگی پیامبر خدا ﷺ و روایت صحیح آن غافل نمانند.

پی نوشت ها:

۱. سبحانی، جعفر، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص ۹۹.
۲. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۹۲.
۳. طبقات الشعراء، صفحه ۱۰.
۴. بیهقی، دلائل النبوه، جلد ۳، ص ۱۷۶.
۵. ابن هشام، سیره نبویه، ترجمه سید هاشم رسولی، جلد ۱، ص ۱۶.
۶. عز الدین علی بن اثیر، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی، ص ۱۵۴، ص ۲۱۰، ص ۱۹۵.